



اصول نامه اخلاقی برای ژورنالستان

دفتر FES افغانستان
مولف: منیره باختري

بنیاد فریدریش ایبرت (اف.ای.اس) در سال 1925 به عنوان میراث سیاسی اولین رییس جمهور منتخب آلمان؛ فریدریش ایبرت پایه‌گذاری شد.

به عنوان نهادی غیر انتفاعی و فرهنگی، این بنیاد متعهد به ارزشهای سوسیال دموکراسی می باشد.

اف.ای.اس در 60 کشور افریقایی، آسیایی، خاورمیانه و امریکای لاتین نمایندگی دارد. به علاوه، این بنیاد در 33 کشور اروپای شرقی و غربی، جمهوری های شوروی سابق و همچنان در امریکا و جاپان دارای دفتر می باشد.

فعالیت‌های اف.ای.اس در کشورهای رو به انکشاف عبارت از مشارکت در بهبود بخشیدن به صلح و تفاهم میان مردمان، همچنان در داخل کشورهای همکار، حمایت از جامعه مدنی، بهبود بخشیدن به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تقویت اتحادیه های صنفی و توسعه ساختارهای رسانه های آزاد، تسهیل همکاریهای منطقه ای و جهانی میان دولت‌ها و گروه‌های گوناگون ذینفع و شناساندن و نهادینه کردن حقوق بشر می باشد.

دفتر اف.ای.اس در افغانستان در سال 2002 گشایش یافت.

بنیاد فریدریش ایبرت
دفتر افغانستان

شهر نو، چهارراهی انصاری
عقب هوتل ستاره، جاده یفتلی
کابل، افغانستان

info@fes.org.af
www.fes.org.af

ویرایش اول، 2008
© بنیاد فریدریش ایبرت، افغانستان 2008

درآمد

رسانه ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی در جوامع مدنی و دموکراتیک که به اصل آزادی بیان و آرای عامه ارجح می گذارند، شناخته می شوند. بدون ارزش گذاشتن به رسانه ها و آزادی مطبوعات ممکن نیست که به یک جامعه آرمانی و انسانی دست یازید. رسانه ها در عین حالی که در ساختار های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر کشور نقش بنیادین دارند، در ساختار های قدرت، تشکل آن و شکل دهی افکار عامه نیز سهم دارند.

با تمام مسؤولیت ها و وظایف خطیر و دشواری که بر دوش رسانه ها گذاشته شده است، رسانه ها نیازمند جلب اعتماد عامه و اعتبار مخاطبین شان هستند. بدون اعتماد و اعتبار مخاطبین هیچ رسانه ای نمی تواند که از جایگاه شایسته و مستمر نزد مردم برخوردار باشد.

برای اعتماد سازی، رفع بحران، احترام به شرافت و حیثیت انسان، حفظ نظم و یک پارچه گی، هر خبرنگار نیاز و مسؤولیت دارد که به یک سری ارزش های انسانی و قوانین نافذ ملی و بین المللی و ارزش های عام انسانی باورمند، پاسخگو و متعهد باشد.

یکی از این ارزش ها اخلاق است که یک پدیده نسبی و متغیر در جوامع است و از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر و از یک جامعه تا جامعه دیگر ناهمگونی هایی را بر می تابد. اما این ناهمسانی به این مفهوم نیست که ارزش های اخلاقی کاملاً در مغایرت با هم قرار دارند. پایه های اساسی و محوری اخلاق در همه جوامع یکسان است.

از مولفه های اساسی اخلاق عدم کلیت و عدم ضمانت اجرایی آن است. پس اخلاق را نمیتوان با اجبار و قانون در یک جامعه به وجود آورد. در رعایت مسایل اخلاقی، ضمیر و وجدان فرد داور هایی بی چون و چرا هستند و پیامد های کارکرد های فرد در جامعه که موقعیت و جایگاه او را نزد مردم تثبیت می کنند و پاداش های معنوی و ترس از رستاخیز در بعضی از ادیان نیز در رعایت معیار های اخلاقی سهم دارند.

مراعات و پابندی به اخلاق رسانه ای یکی از نیاز های مبرم و اساسی خبرنگاران و کارمندان ذیربط در رسانه ها است. هنگامی که در ژورنالیزم از اخلاق صحبت می شود میتوان گفت که اخلاق یک سری ارزش ها، تصمیم ها، کارکرد ها و دیدگاه های قابل قبول اخلاقی در تمامی فرایند جمع آوری فاکت ها و حقایق، ویرایش و تعیین چهارچوب برای آن و نشر، پخش و چاپ آن است. خبرنگار باید در جریان تمامی این فرایند به ارزش های اخلاقی ارجح بگذارد بدون این که در این ارجح گذاری دلایلی چون ترس از پولیس، قانون، تعقیب و تنبیه سهم داشته باشد.

در کنار این که آشنایی خبرنگاران با قوانین موضوعه کشور و به ویژه قانون رسانه ها حتمی است، خبرنگار باید با اصولنامه های اخلاقی نیز آشنایی داشته باشد. کشور های مختلف و نهاد های رسانه ای مختلف هر کدام دارای اصولنامه های اخلاقی هستند. این اصولنامه ها در کلیات با هم همانند بوده و ارزشها های یکسانی را تعقیب می کنند. تفاوت و ناهمگونی ها در موارد جزئی که در پیوند با فرهنگ و ساختار های هر کشور مطرح می گردند، نقش چندانی در اصولنامه های اخلاقی ندارند.

برای آشنایی خبرنگاران با معیار های پذیرفته شده اخلاقی در ژورنالیزم، نیاز است که صنف های آموزشی و معلوماتی در مورد اصولنامه های اخلاقی برای دانشجویان و راهیان این عرصه دایر گردد و معیار ها و اصول اخلاقی به صورت کامل معرفی و تشریح گردند. درست است که برای رسیدن به ارزشهای انسانی و معیار های اخلاقی تنها حضور اصولنامه های اخلاقی در رسانه ها و آموزش آن نمی تواند کار آ باشد، چون باید به پرورش و تقویت اخلاق و وجدان فردی و جمعی در سطح جامعه پرداخت. خبرنگار به عنوان یک شهروند متأثر از اخلاق رایج در جامعه است. هنگامی میتوان که خبرنگاران را معتقد به اصول اخلاقی کرد که در سطح جامعه همه مسایل اخلاقی و انسانی شوند و احترام به ارزش های انسانی به یک راه و سازو کار اساسی در راه رسیدن به جامعه آرمانی تبدیل گردد.

افغانستان متأسفانه تا امروز دارای اصولنامه اخلاقی پذیرفته شده از سوی نهاد های رسانه ای نیست؛ اما تلاش های از سوی این نهادها در جریان است که یک اصولنامه معیاری در تطابق به ارزش های ملی و فرهنگی این کشور تهیه گردد و در اختیار تمام خبرنگاران قرار گیرد.

دفتر FES با کمک دفتر نی Nai به منظور رشد و پرورش اخلاق رسانه ای و آموزش اصل های اخلاقی به خبرنگاران به تهیه و ترتیب این اصولنامه دست می یازد. نویسنده و تنظیم کننده این متن منیژه باختری یکی از استادان دانشگاه کابل است.

دفتر نی امیدوار است که همه خبرنگاران وجدان و شخصیت خود را با این فضایل و معیار ها آراسته بسازند تا ژورنالیزم و رسانه های فردای افغانستان نماد و درخشان ترین مظهر دموکراسی و جامعه مدنی به شمار روند و خبرنگار و رسانه جایگاه بایسته و شایسته خود را در جامعه بیابند.

اصولنامه اخلاقی برای خبرنگاران

یک خبرنگار وظیفه دارد تا مسایل اخلاقی را در حد اعلی آن در نظر داشته و حرفه‌یی بودن خویش را حفظ کند:

احترام به حقیقت و احترام به حق مردم به دانستن حقیقت، نخستین وظیفه خبرنگار است.

خبرنگار باید در تهیه گزارش واقعیت را در نظر گرفته و حقیقت را حفظ کند. حقیقت در خیر صحت رویداد و چگونه‌گی رویداد است که از سوی خبرنگار گزارش داده می‌شود. خبرنگار در حین تهیه گزارش و سایر عملکرد های خبرنگاری خود باید، آن چه را که درست است و به صورت عینی رخ داده است، به صورت قابل درک و بدون پیچیده‌گی به مردم برساند تا حقیقت فدای واژه‌های به هم پیچیده نگردد و اطلاعات مهم و اساسی از دسترس مردم دور باقی نماند. در بعضی موارد خبرنگار چون در محل رویداد حضور نداشته است و رویداد را به صورت عینی ندیده است، ممکن تحریف‌هایی در حقیقت خبر صورت بگیرد. اما خبرنگار می‌تواند با صحبت و گفت‌وگو با شاهدان عینی، دیدار محل رویداد (در صورت امکان) و مدارکی که در زمینه وجود دارد، حقیقت را شناسایی کند. گفته می‌شود که اولین قاعده گزارشگری (صحت، صحت و باز هم صحت) است. حقیقت جویی و عینیت‌گرایی به عنوان نخستین مراحل کار خبرنگار در اصولنامه‌های نخستین که تهیه و ترتیب آن از سال 1923 آغاز شد، عنوان شدند و تا امروز به همان قوت خود باقی مانده‌اند. در تمام اصولنامه‌های اخلاقی که از سوی نهاد های خبرنگاری در سراسر جهان تهیه شده‌اند، نخستین ماده به حقیقت و حقیقت جویی تعلق گرفته است.

خبرنگار باید به حق مردم در زمینه دانستن حقیقت احترام بگذارد. افراد جامعه حق دارند که از تمامی رویداد هایی که پیرامون شان رخ می‌دهد، اطلاع حاصل کنند و از طریق این اطلاعات واقعیت را دریابند. در فرایند اطلاع دهی، نباید به صورت مغرضانه به اصل رویداد صدمه وارد گردد و حقیقت رویداد به صورت وارونه و تحریف شده به مردم رسانده شود. گفته می‌شود که خبرنگار حین گزارش و جمع‌آوری معلومات شدیداً زیر تاثیر افکار و دیدگاه های خود است و به گفته والتر لیپمن یکی از کارشناسان رسانه‌ها فرد از فضای کاذبی که متأثر از محیط پیرامونی و ساختار های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است، قرار می‌گیرد و زیر تاثیر این فضا کلیشه‌های ذهنی برای خود می‌سازد که اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایش را شکل داده و در کار کرد های حرفه‌یی اش تاثیر به جا می‌گذارد. خبرنگاری که تحت تاثیر این فضای کاذب باقی بماند، از درک حقیقت عاجز است.

با این که با رویکرد فلسفی به مفهوم حقیقت، نمیتوان به طور کامل به آن دست یافت؛ اما با توجه به معیار های مشخصی که در زمینه وجود دارد، حقیقت دست یافتنی است. در رویدادی که خبرنگار آن را به چشم خود مشاهده می‌کند، فاصله میان ذهنیت خبرنگار و عینیت رویداد کمتر می‌شود، حقیقت به مردم انتقال می‌یابد. هرگاه خبرنگار تحلیل های شخصی خود را در گزارش و اطلاعاتی که به مردم عرضه می‌کند، بگنجانند، حقیقت صدمه می‌بیند و خبرنگار با این عمل غیر اخلاقی خود به اعتماد عامه صدمه می‌زند. در حقیقت خبرنگار با عدم احترام به حقیقت، مردم را در هیات شهروندان منفعلی می‌بیند که حقیقی برای دانستن حقیقت ندارند. همچنان خبرنگار نباید حقیقت را به خاطر حفظ منافع بازرگانی، سیاسی و اجتماعی یک گروه و یا فرد خود به خطر بیاندازد و آن را تحریف کند. احترام به حقیقت اصل اخلاقی است که عدم توجه به آن، به اعتبار رسانه در بین مردم صدمه می‌زند و در دراز مدت به مرگ رسانه نیز می‌انجامد.

مثال:

یک گروه 500 نفری علیه والی ولایت... مظاهره می‌کنند. به باور این گروه والی ولایت در طول سه سال دوره کاری خود، اداره خوب نداشته و نتوانسته است که امنیت را تأمین کند. اما واقعیت این است که والی با تمام توان و صادقانه کوشیده است تا وظایف خود را به خوبی اجرا کند و غالب مردم از او رضایت دارند و تغییرات مثبت و محسوسی در وضعیت این ولایت به چشم می‌خورد. این گروه هزار نفری که وابسته به حزب... هستند، با گرایش های سیاسی که دارند به منظور تبلیغات سوء دست به این عمل زده‌اند تا والی از وظیفه اش برکنار گردد و در مقابل کاندیدای مطلوب خود شان به پست ولایت تکیه‌زند. خبرنگار رادیوی... که گزارش های این ولایت را تهیه می‌کند از واقعیت اطلاع دارد؛ اما چون تعلقات سیاسی و فکری با گروه مظاهره کننده گان دارد، گزارش را به گونه دیگر تهیه می‌کند. او تعداد مظاهره کننده گان را بیشتر از هزاران تن وانمود می‌کند و دیدگاه های این گروه خاص را به عموم شهروندان تعمیم می‌دهد.

چه باید کرد؟

خبرنگار باید در فرایند کار های ژورنالیستی خود گرایش های سیاسی خود را به یکسو گذاشته و در گزارشدهی واقعیت رویداد را یگانه معیار بداند. او هنگامی که در گزارش خود به صورت کلی حکم می‌کند که تمام مردم ساکن ولایت... از کارکردهای والی رضایت ندارند و می‌خواهند که او برکنار گردد، اصل حقیقت را تحریف کرده است. به منظور احترام به حق دسترسی مردم به اطلاعات، خبرنگار باید از جریان این مظاهره گزارش دقیق بدهد و آمار دروغین را ارائه نکند و در ضمن خواست برکناری والی را تنها از دیدگاه همین گروه بازتاب بدهد و دیدگاه های مخالف این دیدگاه را

نیز در نظر داشته باشد.

برای رسیدن به این هدف باید دو اصل در نظر گرفته شود: آزادی در جمع آوری و نشر خبر و حق انتقاد و تبصرة به جا.

رسانه ها در جوامع معاصر از نقش ارزنده و مهمی برخوردار هستند. رسانه ها در رساندن اطلاعات به مردم، تامین حق دسترسی به اطلاعات و نقش شان در تعلیم و تربیه رهنمایی اجتماع را به عهده دارند. به همین دلیل نقش اجتماعی خبرنگاران روز تا روز اهمیت ویژه و ژرفی کسب می کند. بناً برای برای کار آزادانه خبرنگاران، به ایجاد جو و شرایط مساعد نیاز است که تا در فرایند کار آنان در جستجو، جمع آوری، تهیه و تنظیم اخبار و گزارش ها، پژوهش و تحقیق در مورد رویداد ها و مسایل اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، چاپ، پخش و نشر تمام مواد گرد آوری شده توسط آنان، باید هیچ گونه ممانعت و محدودیت وضع نگردد. هر گونه ممانعت و محدودیت مطابق قوانین بین المللی، ملی و اصولنامه های حرفه ای باشد که خبرنگار نسبت به آنها متعهد، مسؤول و پاسخگو باشد.

برای رسیدن به این مأمول باید شرایط آزادانه تاسیس رسانه ها و جمع آوری آزادانه اطلاعات و معلومات از سوی دولت و مقامات مسؤول فراهم شود و خبرنگار نیز برای به دست آوردن این حق تلاش بورزد و تلاش و کوشش های خود را یک اصل اخلاقی در کار های حرفه ای خود بداند. مسؤولیت اجتماعی خبرنگار مستلزم آزادی در جمع آوری و نشر خبر است که در پیوند به امکانات و زمینه هایی که برای او در سطح جامعه مساعد می گردد، مطرح می شود.

یکی از وظایف خبرنگاران تذکر نواقص، دشواری ها و کمبودی ها در سطح جامعه است، خبرنگار باید به عنوان ناظر بر کارکرد های دولت، مسؤولین و سایر افراد جامعه عمل کند و با تذکر، انتقاد و تفسیر اعمال، افراد را متوجه مسؤولیت های شان بسازد.

انتقاد سازنده در جهت منافع عامه و اظهار نظر ها به رفتار افراد، وظیفه اخلاقی هر خبرنگار است اما به شرط این که این انتقاد ها در ارتباط به رفتار های اجتماعی افراد باشد و به زنده گی خصوصی و مسایل شخصی فرد تماس نگیرد و همچنان این انتقاد ها جنبه شخصی نداشته و متضمن منافع یک گروه خاص نباشد.

مثال:

کشور (الف) مهاجرین پناهنده کشور (ب) را خاکش بیرون می کند. این کشور قرارداد های بین المللی را در مورد مهاجرین در نظر نگرفته است و به صورت غیر قانونی و غیر انسانی به این عمل دست می یازد. وزیر خارجه کشور (ب) چندین بار ضمن مذاکرات دیپلماتیک و دوستانه از مقامات کشور (الف) خواهش کرده است که آنان مدتی دیگر نیز به کشور (ب) فرصت بدهند تا شرایط امنیتی و اقتصادی در کشور شان بهتر گردد اما کشور (الف) نمی پذیرد. رسانه های به گزارشدهی می پردازند و اکثر آنان وزیر را متهم به بی توجهی در این زمینه می سازند. به نظر آنان وزیر باعث این پیشامد شده است. در حالی که وزیر تنها از مقام دیپلماتیک و رسمی می تواند از دولت (الف) چیزی بخواهد.

چه باید کرد؟

خبرنگاران هنگام گزارشدهی و تفسیر این رویداد باید عوامل اصلی را شناسایی کرده و به صورت ریشه ای به عمق قضیه نگاه کنند. آنان با یک نگاه سطحی و کوتاه بینانه نباید به انتقاد پرداخته و شخصیت وزیر را در افکار عامه سیاه جلوه بدهند. انتقادی از نوع این چنینی بیجا، بی اساس و به دور از مطالعه اوضاع سیاسی و منطقه ای است.

خبرنگار باید در همه کارکرد های خبرنگاری خود توازن را در نظر داشته باشد و منصفانه عمل کند.

حفظ توازن در خبر از مهمترین کارکرد های یک خبرنگار است که بیطرفی او را به عنوان یک اصل اخلاقی به چالش می کشد.

توازن و انصاف در خبر به معنای تشریح و گزارش دقیق رویداد با تمام جوانب قضیه است تا گزارش در یک جهت ویژه به خاطر تامین منافع یک گروه خاص به دلایل وابسته گی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، زبانی و ... حرکت نکند و یا هم در قضایایی که چندین گروه درگیر هستند، تنها به انتقاد از یک جهت قضیه پرداخته نشود.

در گزارشدهی باید منافع تمام گروه ها تامین گردد به عبارت دیگر میتوان گفت در مسایلی که منافع چند گروه نهفته است، خبرنگار باید به پخش و نشر دیدگاه ها و جریان های مثبت و منفی تمام گروه ها بپردازد و به خاطر تامین این امر از هیچ گونه تلاش دریغ نوزد.

اطلاعات نباید طوری پرداخته شوند که به جانبداری منجر گردند. خبرنگار هنگام برخورد با مسایلی که در تناقض با منافع فردی و گروهی او قرار می گیرد، نباید شرافت حرفه ای خود را از نظر دور داشته باشد و به خاطر روابط و احساسات فردی خود عمل کند. او قبل از نشر هر مطلبی باید دقت کند که آیا توازن به قدر کافی در آن وجود دارد و یا خیر.

برای ایجاد توازن خبرنگار باید با هر دو جناح و یا چندین جناحی که درگیر هستند، صحبت کند و هنگامی که دیدگاه های مردم عام را در نبشته خود می گنجانند، نیز باید با حامیان هر دو جانب گفت و گو کند و نظر های شان را بازتاب بدهد؛ اما اگر به دلایلی خبرنگار موفق به پوشش خبری هر دو جانب نمی گردد و یا یک از جناح ها از صحبت و دادن معلومات خودداری می ورزد، خبرنگار باید این نکته را در گزارش خود یادآور شود. هرگاه شهروندان و نهاد های مورد انتقاد و اتهام خود از پاسخگویی طفره برونند، در این صورت رسانه باید تذکر بدهد که برای انتشار دیدگاه های طرف مقابل هم تلاش ورزیده است،

اما تلاش هایش بی نتیجه مانده است.

توازن در خبر می تواند با گزینش ویژه ها و یا بافتی که خبرنگار اطلاعات را در آن عرضه می کند، نیز از بین برود.

مثال:

خبرنگاری می خواهد که در مورد کارکرد های شرکت های مخابراتی که در سطح افغانستان فعالیت دارند، گزارشی تهیه کند. او با مسئولین شرکت مخابراتی (الف) گفت و گو می کند و اطلاع می یابد که شرکت مخابراتی (ب) در محاسبه دقیق صحبت مشتریان در تلفون های موبایل خیانت می ورزد. شرکت مخابراتی (الف) همچنان شرکت (ب) را متهم می سازد که قرارداد های غیر مجاز را با شرکت های خارجی عقد کرده است.

چه باید کرد؟

در چنین حالتی خبرنگار اخلاقاً وظیفه دارد که با مسئولین شرکت (ب) هم گفت و گو داشته باشد و در مورد ادعا هایی که شرکت (الف) کرده است، نظر و دلایل شان را جستجو کند و سپس گزارش خود را با پوشش دیدگاه های هر دو جانب تکمیل ساخته و به نشر برساند. هرگاه شرکت (ب) حاضر به گفت و گو نمی شود و پاسخی ارائه نمی دارد، در این صورت باید خبرنگار این مسأله را در گزارش خود ذکر کند.

خبرنگار باید بر اساس حقایق که منبع اصلی آن را می داند، گزارش تهیه کند. او نباید بر اساس مدارک جعلی به تهیه گزارش بپردازد.

یک اصل اخلاقی این است که خبرنگار تنها باید با اتکا و استناد بر منابع شناخته شده گزارش خویش را تهیه کند. خبرنگاران باید تلاش بورزند که با منابع خبری ارتباط مستقیم داشته باشند و آنها را خوب بشناسند و هرگاه نسبت به رویدادی که یک منبع خبری -حتا شناخته شده- گزارش می کند، شک و شبهه بی وجود دارد، باید با تماس با سایر منابع تعقیب گردد تا عینیت و واقعیت زیر پا نگرند.

روزنامه نگاران سعی بورزند تا منابع خبری خود را خوب بشناسند و اگر نسبت به واقعیت و عینیت يك خبر تردید دارند، آن را از منابع دیگر تعقیب و تکمیل کنند.

تهیه گزارش بر مبنای منابع ناشناخته نه تنها بر موقعیت خبرنگار ضربه می زند بل بر حیثیت و اعتبار رسانه نیز خدشه وارد می کند و بر ارتباط غیر مکتوب اخلاقی که میان مخاطب و رسانه وجود دارد، نیز تاثیر وارد می کند. مخاطب احساس می کند که فریب خورده است و با احساساتش بازی شده است. مخاطبین تنها بر رسانه های اعتماد می کنند که از منابع موثق و درست استفاده می کنند.

تهیه خبر و گزارش با استناد بر مدارک جعلی یک عمل غیر اخلاقی است که خبرنگار در راه حفظ شرافت حرفه بی خود نباید به آن دست بزند. استفاده از مدارک جعلی با این که تعقیب قانونی در پی دارد، اما بسیار اتفاق می افتد که خبرنگاران غیر مسؤول بدان دست می یازند. ممکن است که خبرنگار با این ترفند، خیر و گزارش جنجال برانگیزی تهیه کند و برای مدت کوتاه مردم را فریب بدهد و سازمان رسانه بی و یا هیچ مرجع قانونی دیگر به این فریب پی نبرند؛ اما خبرنگار متعهد به اصول اخلاقی با حکم وجدان خود این عمل را انجام نمی دهد.

مثال:

خبرنگاری می خواهد که در مورد اختلاس والی ... که مسأله مهم و داغ روز است، گزارشی تهیه کند. او به دنبال مدارک به هر سو سر می زند. تصادفاً با یکی از دوستان سابقه خود که چندی قبل معاون همان والی بود، بر می خورد. معاون می گوید که اسناد و مدارکی در اختیار دارد که با آن ممکن است جرم والی را ثابت کرد، ولی معاون چیز های دیگری نیز به خبرنگار می گوید که نشاندهنده دشمنی و نفرت عمیق اش از والی است، خبرنگار می داند که والی چندی قبل این دوست را از وظیفه اش سبکدوش کرده بود و بعد از دیدن اسناد پی می برد که این اسناد تصنعی و ساخته دست معاون است، ولی معاون به او اطمینان می دهد که از این راز کسی باخبر نخواهد شد. از سویی دیگر تهیه این گزارش می تواند به خبرنگار موقعیت بهتری در رسانه ها و نزد سایر خبرنگاران بدهد.

چه باید کرد؟

در چنین حالتی خبرنگار وظیفه دارد که وسوسه ها را کنار بگذارد و از مدارک جعلی برای پیشرفت و پیشبرد مقاصد خود استفاده نکند. ممکن است که والی مقصر باشد و او باید به دنبال مدارک باشد ولی این مدارک را باید از منابعی که قابل اعتماد اند، به دست بیاورد.

خبرنگار هویت خود را جعل نمی کند. او تنها از راه های قانونی، صادقانه و درست خبر، عکس و

اسناد مورد نیاز خویش را به دست می آورد.

گاهی خبرنگار برای به دست آوردن فاکت ها و ارقام هویت خود را به نام خبرنگار آشکار نمی سازد. او فکر می کند که ممکن است افراد برای خبرنگار از ارائه بعضی فاکت ها به دلیل ترس و یا عوامل دیگر خودداری ورزند. از سوی دیگر گاهی خبرنگاران با جعل هویت خود را پولیس، داکتر، وکیل و یا فردی با پیشه دیگر معرفی می کنند تا اعتماد و اعتبار لازم بیابند و اطلاعات را به دست بیاورند. در چنین موارد افراد فریب خورده چیز هایی را اظهار می دارند که خود از پیامد های آن آگاهی ندارند.

سوء استفاده از اعتماد و یا احیاناً جهل طرف مقابل و بهره جستن از حسن نیت افراد کار غیر اخلاقی است که خبرنگار نباید

بدان مبادرت ورزد.

مفهوم دیگری که تحت این ماده مطرح می‌گردد این است که خبرنگار نباید به خاطر به دست آوردن اطلاعات از رشوت، جاذبه‌های جنسی و برام‌های نادرست دیگر استفاده کند. گاهی خبرنگاران برای به دست آوردن اطلاعات به کسانی که اطلاعات را در اختیار دارند، رشوت می‌دهند. دادن رشوت در ذات خود یک عمل غیر اخلاقی است که اخلاق و ذهنیت عمومی جامعه را صدمه می‌زند. از سوی دیگر دادن رشوت باعث می‌گردد که افراد فریبکار به خاطر به دست آوردن مقداری پول و هدیه اطلاعات نادرست را به خبرنگار بدهند و فساد اطلاعات را به بار بیاورند. تجارب در گوشه‌هایی از دنیا نشان می‌دهد که خبرنگاران با دادن رشوت با این که اطلاعات درستی را جمع‌آوری کرده‌اند، اما بعد از کشف این مسأله عنوان خبرنگاری از آنان گرفته شده است.

مثال:

خبرنگار روزنامه... می‌خواهد که از یک حادثه قتل گزارشی تهیه کند. او هنگامی که غرض گرفتن معلومات به خانواده مقتول مراجعه می‌کند، کسی حاضر به دادن معلومات نمی‌گردد. خبرنگار روز دیگر با یک ترفند خود را پولیس معرفی می‌کند و ضمن تعهد به فامیل مقتول در مورد گرفتاری قاتل از آنان جویای معلومات می‌شود. خانواده مقتول بالای خبرنگار به نام یک پولیس اعتماد می‌کنند و اطلاعات لازم را به او می‌دهند، وقتی گزارش به چاپ می‌رسد هیجان و توجه عده زیادی را جلب می‌کند اما در عین حال باعث خشم خانواده مقتول می‌شود که خبرنگار آنان را فریفته است.

چه باید کرد؟

خبرنگار این روزنامه اخلاقاً حق ندارد که هویت خود را پنهان بسازد و از دروغ و نیرنگ به خاطر تکمیل معلومات خود استفاده بورزد. ممکن است که این اطلاعات در بلند بردن تیراژ نشریه و موقعیت خبرنگار موثر واقع شود، اما چون خبرنگار با جعل هویت این معلومات را به دست آورده است، باید مجازات گردد. خبرنگاری که معتقد به اصول اخلاقی است بدون هراس از تعقیب قانونی و پولیس شرافت حرفه‌یی خود را نگاه می‌دارد؛ به مقررات صنفی و اخلاقی پایبند می‌باشد و تنها از راه‌های مجاز و قانونی اسناد، اطلاعات و معلومات مورد نیاز خود را به دست می‌آورد.

خبرنگار هنگامی که آگاهی حاصل می‌کند که موارد منتشر شده توسط او، نادرست و غلط است، باید به زودترین فرصت اشتباه خود را تصحیح کند و برای شهروندان و نهاد‌هایی که مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، زمینه پاسخگویی را فراهم سازد.

تصحیح، اصل اخلاقی است که رسانه‌ها و گزارشگران باید در جریان کارهای حرفه‌یی خود در نظر داشته باشند و آن را محترم بشمارند. گزارشگران همانند هر انسان دیگری گاهی مرتکب اشتباه می‌گردند و به دلایل مختلف موارد نادرست و خلاف حقیقت را به نشر می‌رسانند و آمار و ارقام نادرست را ارائه می‌کنند و اما بعد از این که به واقعیت پی می‌برند، باید اشتباه خود را تصحیح نموده و با عذر خواهی مطلب منتشر شده قبلی را تصحیح کنند و به جای آن مطلب که واقعیت را آشکار می‌کند، به نشر برسانند.

حق پاسخ نیز اصل اخلاقی است که در قانون رسانه‌ها هم به آن اشاره شده است. هرگاه مطلبی که بیشترینه جنبه انتقادی دارد، در یک رسانه نشر و پخش می‌شود و این مطلب در تناقض با دیدگاه، اندیشه و یا منافع کسانی واقع می‌گردد و این فرد یا نهاد در این رابطه می‌خواهند که پاسخ بدهند، باید برای آنان مجال انتشار در همان رسانه فراهم گردد. غالباً پاسخی که در رابطه به اداره رسانه‌ها مواصلت می‌ورزد، باید یک یا دو روز بعد از انتشار مطلب اولی در همان صفحه با همان حروف، اندازه و نوعیت خط به چاپ برسد. رسانه‌ها باید فرصت‌های لازم را برای شهروندان و نهاد‌ها فراهم سازد تا در مقابل انتقادات، اتهامات و تفسیر‌هایی که صورت می‌گیرد، به پاسخگویی بپردازند. هرگاه شهروندان خود تمایلی به پاسخگویی نداشته باشند، خبرنگاران مکلفیتی ندارند.

مثال:

روزنامه... در صفحه اول شماره 120 خود مطلبی را به نشر می‌رساند که از ملاقات یک دیپلمات افغانی با وزیر خارجه اسرائیل حکایت می‌کند. بعد از نشر خبر دیپلمات افغان به اداره نشریه تماس می‌گیرد و این ملاقات را رد کرده و دلایل قابل قبولی نیز برای آن ارائه می‌کند. خبرنگار که خبر را به اساس همگونی نام دیپلمات افغانی با دیپلمات عربی تهیه کرده است، به اشتباه خود پی می‌برد.

چه باید کرد؟

خبرنگار فوراً در شماره بعد اشتباه خود را تصحیح می‌کند و با عرض معذرت از دیپلمات افغان، خبر درست را به نشر می‌رساند.

مثال 2:

روزنامه... در مورد وضعیت نا به سامان یک شفاخانه دولتی گزارشی را به چاپ می‌رساند. در این گزارش آمده است که دکتران به وظیفه خویش حاضر نمی‌شوند؛ محیط شفاخانه از لحاظ صحتی ناپاک است؛ با مریضان بدرفتاری صورت می‌گیرد. مسؤلین شفاخانه این گزارش را غیر منصفانه می‌دانند و احساس می‌کنند که به آنان توهین صورت گرفته است. آنان در رد این گزارش پاسخی ارائه می‌دارند و آن را به اداره روزنامه می‌فرستند.

چه باید کرد؟

اداره روزنامه از لحاظ اخلاقی مکلف است که پاسخ را بدون سانسور - مگر این که به لحاظ کمی جا آن را خلاصه بسازند- در همان صفحه، با همان نوع و اندازه حروف به چاپ برساند.

«خبرنگار منابعی را که نمی خواهند افشا شوند، محرم نگاه داشته از افشای آن جلوگیری کند.»

خبرنگار برای حفظ منابع محرمانه اطلاعات خود مسؤلیت دارد و به هیچ صورت نباید هویت منابعی را که نمی خواهند، هویت شان آشکار شود، فاش بسازند. هر خبرنگار متعهد به اصول اخلاقی نسبت به کسانی که از آنان اطلاعات را جمع آوری می کنند، مسؤول بوده و از افشای هویت کسانی که خود شان تمایلی به افشای نام خود ندارند، خود داری می کنند. گاهی - اختفای منبع - در - جامعه - بلدشوار بیهای - سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - و - فرهنگی - بر خورد می - کند - در - چنین مواردی خبرنگار به جز حکم محکمه با صلاحیت حق دارد که محرمت منبع خود را حفظ کند. در کشور هایی که با وجود حکم محکمه خبرنگار از افشای هویت منبع خود خود داری می کند به زندانی شدن خبرنگار می انجامد. در چنین حالاتی خبرنگار خود تصمیم می گیرد که منبع خبری خود را فاش کند و یا به زندان برود.

دشواری دیگر در این مورد این است که اطلاعات به صورت نادرست از سوی خبرنگاران بازتاب یابد و احیاناً شایعه ها هم بدون ذکر منبع موثق مجال نشر بیابند؛ زیرا در صورتی که همه افراد و نهاد ها مطمئن باشند که هویت شان حفظ می گردد و تحت بازجویی و پاسخدهی قرار نمی گیرند، ممکن است که به دروغ پراگنی، شایعه سازی و مخدوش کردن حقیقت بپردازند و خبرنگار را فریب بدهند.

در چنین مواردی خبرنگار حق دارد که کسانی را که با گفتن دروغ و اطلاعات نادرست او را فریفته اند، افشا سازد. خبرنگار هنگامی که با افراد صاحب نام چون سیاستمداران و دولتمداران مصاحبه می کند، گفته های ثبت شده آنان را با خود داشته باشد، هرگاه آنان نخواستند که هویت شان در جریان گزارش شده معلوم گردد، خبرنگار اخلاقاً وظیفه دارد که هویت شان را مخفی نگاه بدارد مگر این که منابعی گفته های قبلی خود را به دلیل هراس و ترس و یا عوامل دیگر انکار کنند. در این صورت خبرنگار می تواند که با داشتن معلومات خارج از ثبت off the record به افشای شان بپردازد.

مثال:

یکی از وکیل های پارلمان می خواهد که اطلاعاتی را در اختیار خبرنگار رادیوی ... بگذارد. اما وکیل از خبرنگار می خواهد که هویت او نباید افشا گردد. خبرنگار قول می دهد که هویت منبع را حفظ کند. اطلاعاتی را که وکیل ارائه می کند مبتنی بر دست داشتن عده بی از اعضای بلند پایه دولت در قاچاق مواد مخدر است. این منبع با سابقه درخشان کاری که دارد، مورد اعتماد خبرنگار نیز است. بعد از نشر گزارش خبرنگار تحت فشار قرار می گیرد تا منبع خبری خود را افشا کند.

چه باید کرد؟

خبرنگار با قولی که به منبع داده است، هویت منبع را فاش نمی سازد، مگر این که محکمه ذیصلاح به افشای آن حکم نماید.

«خبرنگار نباید به نشر، پخش و چاپ مطالبی که باعث تحریک و تشویق مردم به مسایل تبعیض آمیز

نژادی، دینی، طبقه بی، حزبی، جنسیتی، قومی، قبیله بی و یا سیاسی می گردد، بپردازد و یا با نشر

این مطالب به ملتی، ملیتی و یا فردی از افرادی جامعه توهین کند و یا به حیثیت آنان صدمه بزند.

خبرنگار علاوه از مسایل یاد شده در بالا، مسایلی چون رنگ، عقیده، زبان، تمایلات جنسی، وضعیت

تاهل را در صورتی در گزارشش ذکر کند که مستقیم به آن ارتباط داشته باشد، در غیر آن از تذکر

آنها خود داری ورزد.

خبرنگار در کار های حرفه بی اش نباید به انتشار و پخش اطلاعاتی دست بزند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تبعیض، حساسیت و عداوت را میان گروه های گونه گون انسانی به بار بیاورد.

مسایلی چون دین، طبقه اجتماعی، سیاست حزبی، مسایل جنسیتی و تذکر نکته هایی در مورد قومیت و ملیت در هر جامعه بی از مسایل حساس و حساسیت برانگیز اند، از این رو تا حد ممکن کوشش صورت بگیرد تا گزارش شدهی و سایر کارکرد های خبرنگاری به گونه بی بازتاب بیابند که تبعیض و حساسیت را بار نیاورند و از سوی دیگر در این جریان به این ارزش های پذیرفته شده مثبت یک گروه توهین صورت نگیرد.

به عبارت دیگر رسانه ها و خبرنگاران اجازه ندارند که به صورت جانبدار و آگاهانه مطالبی را که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به جنگ، خشونت، نفرت و تبعیض نژادی دامن می زند، مطالبی را که سبب تفرقه میان گروه های گونه گون می گردد، به نشر برسانند. نشر هر گونه دیدگاهی باید عاری از برتری جویی باشد و نباید تحریک به خشونت در آن جا داشته باشد

حفظ همبسته گی و وحدت بین گروه هایی که زنده گی با همی دارند، مسؤولیت اجتماعی خبرنگار است که باید برای تامین آن بکوشد و نزد مردم پاسخگو باشد. مساله مهم دیگر که در این راستا خبرنگار را یاری می رساند، تشخیص منافع ملی نسبت به منافع فردی و گروهی است. در نشر و پخش هر مطلب این چنینی خبرنگار بعد از بررسی منافع ملی به نشر مطلب دست یازد.

خبرنگار در نشر و پخش عکس، کارتون، کاریکاتور، شعر و غیره مظاهر هنری و ادبی نیز محتاط باشد تا احساسات فرد یا گروهی را جریحه دار نسازد و عداوت و نفرت قومی را به بار نیاورد.

خبرنگار به خاطر به وجود آوردن فضای صلح، اخبار صلح را بر اخبار جنگ برتری بدهد. خبرنگار نباید به ناتوانی، مریضی، معلولیت و سایر شاخصه هایی که به حیثیت یک فرد و یا افراد جامعه صدمه میزند، اشاره کند و از استعمال واژه های چون اقلیت و اکثریت خود داری ورزد.

مثال:

شبکه تلویزیونی ... در کشور ... می خواهد که در یکی از برنامه های اطلاعی خود گزارش تحقیقی در مورد طرز زنده گی مسلمانان ساکن در آن شهر، تهیه کند. خبرنگاری که برای تهیه گزارش موظف شده است، علاوه از تحقیق در مورد زنده گی مسلمانان و صحبت با آنان، با دو تن از شهروندان مسیحی آن شهر نیز گفت و گو می کند و دیدگاه آنان را جویا می شود. آنان می گویند که از مسلمانان نفرت دارند چون آنان مسبب خرابکاری های که در این شهر صورت می گیرد، هستند. این دو در ضمن به دین اسلام نیز توهین می کنند و آن را دین خرافه ها و تحجر می خوانند. دو تن از شهروندان مسیحی دیگر به طرفداری از مسلمانان شهر صحبت می کنند و آنان را افراد درستکار و راستگو می خوانند. قرار است که خبرنگار همه ارقام، آمار و فاکت های به دست آورده خود با کلیپ ها در ساختار یک گزارش تلویزیونی تنظیم ساخته و برای شب بعدی برای نشر آماده سازد. خبرنگار دچار تردید است.

چه باید کرد؟

نشر و پخش صحبت هایی دو تن از شهروندانی که به مسلمانان و دین اسلام توهین کرده اند، به عنوان یک دیدگاه وجود دارد؛ اما نشر این کلیپ ها باعث تبعیض، نفرت و خشونت بین گروه های مسلمان و مسیحی که کاملاً در صلح و باهمی زنده گی دارند، می گردد و ممکن است که آغاز گر خشونت های بیشماری بین این شهروندان گردد؛ بناً خبرنگار باید از نشر این کلیپ ها خود داری ورزد و تنها به کلیپ های مثبت اکتفا کند.

«خبرنگار در تمام کارکرد های خود منافع ملی را در نظر می داشته باشد و از اجرای هر عملی که

منافع ملی را در خطر می اندازد، خود داری می کند.

منافع ملی از مسایل مهم و عمده یی است که اساساً تمام کارکرد های خبرنگار از آن تاثیر می پذیرد. منافع ملی یک سری ارزش ها، قراردادهای اجتماعی، هویت، افتخارات ملی، تمامیت ارضی، منافع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه است که با حیثیت و شرافت تمام مردم آن ارتباط دارد. همه افراد جامعه از منافع ملی سود می برند و در مواردی که منافع ملی به خطر می افتد، زیان آن متوجه حال همه افراد جامعه می گردد.

خبرنگار مصلحت های عمومی جامعه را در نظر داشته و به منافع عامه و حیثیت ملی جامعه بیندیشد. خبرنگار نخست همه در مقابل مردم مسئولیت اجتماعی دارد. مسئولیت اجتماعی او ایجاب می کند که در راستای حفظ منافع ملی و ارزش های بایسته جامعه تلاش کند و از نشر، چاپ و پخش هر گونه مطلبی که منافع ملی را از بین ببرد و یا به آن ضربه بزند، خود داری ورزد.

خبرنگار برای حفظ منافع عمومی، منافع فردی را از نظر دور می سازد و به خاطر دلایل شخصی، اعتقادات سیاسی و منافع خود و گروهی که در آن زنده گی می کند، منافع ملی را زیر پا نمی کند و منافع عمومی را بر منافع فردی، قومی، قبیله یی، نژادی و زبانی ترجیح می دهد.

مثال:

خبرنگار روزنامه ... تعلق به گروه قومی ... دارد. این خبرنگار در جریان تهیه یک گزارش در ارتباط به روابط اقوام ساکن در مرز های کشور و دول همسایه با اسناد موثق و غیر قابل انکار اطلاع می یابد که بزرگان قومش در یک تباری با کشور ... می خواهند که مقداری سلاح و مهمات را داخل کشور کنند و علیه دولت مرکزی شورش نمایند. خبرنگار به کارایی دولت خود باور دارد با این که گروه بر سر اقتدار از ملیت و قوم او نیست. او احساس می کند که این شورش و وارد شدن اسلحه به کشور تمامیت ارضی را به خطر می اندازد و سبب خونریزی های بی موجب می گردد. اما منافع او با منافع قومش بسته است. با نشر این گزارش عده از سران قومی که خود متعلق به آن است، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و به زندان خواهند افتاد.

چه باید کرد؟

هرگاه خبرنگار با کتمان این حقیقت در گزارش خود منافع قومش را تامین کند، به تمام شهروندان کشورش خیانت کرده است. او اخلاقاً وظیفه دارد که اطلاعات را به همه مردم برساند و منافع عمومی را بر منافع فردی ارجحیت بدهد.

«خبرنگار باید به عنوان یک فرد مسلکی در حرفه خبرنگاری از جرایم زیر خود داری ورزد:

سرقت ادبی

سرقت ادبی، چاپ و انتشار نیسته ها و آثار دیگران و یا دستبرد به محتوا و اندیشه های یک فرد و یا یک اثر است که فرد دیگر آنها را به طور غیر اخلاقی به خود منسوب ساخته و به نام خود منتشر می سازد. سرقت ادبی درجه های مختلفی دارد. گاهی تمام اثر، گاهی قسمت های از آن و گاهی هم اندیشه ها و محتوایی که در یک اثر وجود دارد، مورد دستبرد قرار می گیرد. تاریخ انسانی گواه آن است که انسان همواره از همدیگر تاثیر می پذیرد و تمام آثار هنری و ادبی در حقیقت تقلیدی از آثار اولیه هستند، اما سرقت ادبی تقلید و رونویسی آگاهانه یی است که ربطی به تاثیر پذیری غیر مستقیم که امر طبیعی است، ندارد.

خبرنگاران در کار های رسانه بی خود نباید از سرقت ادبی که یک امر غیر اخلاقی است، سود ببرند و هرگاه از گزارش ها، مقاله ها، تحقیق ها و منابع دیگر و آمار و ارقام که در اثر پژوهش فرد یا نهاد دیگر به میان آمده است، استفاده می برند، باید ذکر منابع و سرچشمه ها را از یاد نبرند. در صورتی که نیاز استفاده مستقیم از یک اثر وجود دارد، باید از قاعده هایی چون نقل قول مستقیم و نقل قول غیر مستقیم که در این زمینه وجود دارند، استفاده کند و نشانه های شاخص آن را به کار ببرند. استفاده از معلومات عمومی سرقت ادبی نیست.

با این که قانون کاپی رایت می تواند در این زمینه شهروندان و نویسندگان را یاری برساند تا اصالت آثار شان حفظ شود، اما بیشتر از همه این اخلاق و وجدان خبرنگار است که او را از این کار باز می دارد.

مثال:

به خبرنگار مجله وظیفه داده می شود که در مورد خشونت های رایج علیه زنان در افغانستان گزارشی تهیه کند. خبرنگار هنگامی که به جستجوی اطلاعات بر می آید، تصادفاً گزارش یکی از شبکه های مهم خبری جهان را در این ارتباط در می یابد که توسط خبرنگار شناخته شده آقای تهیه شده است. در این گزارش ارقام، فاکت ها و آمار دقیق وجود دارد. آقای ... به چندین ولایت افغانستان سفر کرده است و با گفت و گو با مسئولین و نهاد های که در راستای حقوق زنان کار می کنند و همچنان دیدگاه های زنان در افغانستان این گزارش را تکمیل کرده است. خبرنگار مجله فکر می کند که هرگاه این گزارش را با اندکی دستکاری به اداره مجله بدهد، کسی از جریان واقعه چیزی نمی داند و او می تواند که بدون صرف وقت، پول و موقعیت به دست بیاورد.

چه باید کرد؟

خبرنگاری که معتقد به اصول اخلاقی است، هیچگاهی به این کار دست نمی یازد. ممکن که اداره مجله از این اقدام ناشایست اطلاع نیابد؛ اما وجدان و ضمیر او ناظر بر کارکرد هایش می باشد و این عمل خلاف به حیثیت خودش و اعتماد مخاطبین مجله صدمه می زند. خبرنگار می تواند که برای تکمیل گزارش خود از گزارش آقای ... استفاده کند، به شرطی که منبع اصلی را ذکر کند.

1) تهمت، افترا، توهین و اتهامات ثابت نشده

افترا نشر مطالب نادرست و خلاف واقعیت در مورد افراد و نهاد ها است که به شخصیت، روان، موقعیت اجتماعی و منافع مالی افراد و نهاد ها صدمه می زند. علاوه از این که افترا یک عمل غیر قانونی است، در مسایل اخلاقی نیز مطرح می گردد. خبرنگار نباید که به فرد یا نهادی تهمت بزند و افترا وارد سازد. کارکرد های خبرنگار از طریق رسانه های همه گانی به اطلاع قسمت عمده بی از مردم می رسد به این دلیل افترا و تهمتی که از سوی خبرنگاران در رسانه ها به نشر می رسد، ضربه جبران ناپذیر را به حیثیت و موقعیت افراد وارد می سازد که جبران آن تقریباً ناممکن است.

توهین نیز همانند تهمت و افترا به شخصیت و موقعیت یک فرد صدمه می زند و حیثیت او را در جامعه - به ویژه جوامع سنتی - مخدوش می سازد.

گاهی افراد به اجرای کنش هایی متهم می شوند که حقیقت آن ناشناخته و نامعلوم می باشد. پس باید منتظر وقت بود تا اتهام ثابت یا رد گردد. خبرنگار باید در این مورد با دقت جوانب موضوع را بررسی کند تا داوری دور از عدالت و حقیقت انجام ندهد. خبرنگار نباید قبل از حکم محکمه با صلاحیت فرد یا نهاد مظنون یا متهم را مجرم دانسته و در فعالیت های رسانه بی خود از آنان بدین گونه نام ببرد.

رسانه ها باید از نشر و پخش مطالبی که اثبات نشده اند، بپرهیزند و نباید حدس، گمان و شایعه ها را به نام حقیقت تثبیت شده پردازش کنند.

مثال:

رادیوی ... در جریان رقابت های انتخاباتی گزارش هایی به نشر می رساند. در یکی از گزارش های خود ادعا می کند که آقای ... کاندیدا از ولایت ... به فساد اخلاقی و رشوت خواری مشهور است و شایسته گی احراز این کرسی را ندارد. روز بعد کاندیدای که متهم به فساد اخلاقی و رشوت خواری شده است، از این رادیو شکایت می کند و اظهارات رادیو را افترای محض دانسته و خواهان اعاده حیثیت می گردد.

رادیوی ... با شتاب از خبرنگاری که این گزارش را تهیه کرده است، جویای معلومات می گردد. واضح می شود که خبرنگار بدون تحقیق - بر استناد - مصاحبه یک تن دیگر از کاندیداتوران همان ولایت این ادعا را کرده است، در حالی که تمام این معلومات دروغین است و در نتیجه خبرنگار و رسانه به افترا محکوم گردیده اند.

چه باید کرد؟

هر - رسانه قبل از - این - که مطالب - را - به - نشر - می - رساند - باید - به - صورت - همه - جانبه - تحقیق - کند - که - آیا - مطالبی - که - توسط - گزارشگرانش تهیه شده است، از صحت و دقت کامل برخوردار است و یا خیر؟ خبرنگار وظیفه اخلاقی دارد که اظهارات بدون اساس و نادرست افراد دیگر را تشخیص بدهد و از چاپ آن جلوگیری کند. در اکثر موارد بعد از نشر افترا ممکن نیست که شرافت و حیثیت فرد را دوبار در اذهان عامه زنده ساخت. این عمل بدون تحقیق خبرنگار منجر به افترا شده است و به حیثیت کاندیدا در یک مرحله حساس چنان ضربه بی وارد کرده است که ممکن به ناکامی او در جریان این مبارزات منجر شود.

در این مورد خبرنگار علاوه از این که عمل خلاف اخلاق را انجام داده است، از نگاه قانون جزا نیز به مجازات محکوم می گردد.

• قبول رشوت، هدیه و موارد هم مانند آن به خاطر نشر و یا جلوگیری از نشر یک مطلب.

خبرنگار هیچ گاهی هدیه و رشوت را نمی پذیرد و از آنها به عنوان کار های خلاف و غیر اخلاقی دوری می کند. مقدار یا نوع رشوت به هر پیمانانه یا شیوه بی که باشد، غیر اخلاقی است. گاهی خوردن یک گیلان چای یا قهوه به منظور گسترش روابط با منابع و شهروندان جهت کسب اطلاعات رشوت نیست؛ اما باید متوجه بود که این گیلان چای که از هزینه شخص مقابل پرداخته می شود، سرآغازی برای رشوت خواری نباشد. غالباً رشوت ها زیر پوشش آبرومندانه هدیه ها پرداخته می شوند و خبرنگاران به ویژه از سوی اشخاص صاحب شهرت و قدرتمند که در ساختار های دولت و قدرت سهم دارند، هدیه هایی دریافت می کنند تا مطالبی را به نشر برسانند و از نشر مطالب دیگر چشم پوشی کنند. خبرنگار نباید این هدیه ها را که برای تامین خواست های نامعقول و غیر قانونی برای نشر یک مطلب و یا عدم نشر یک مطلب است و به نحوی به منافع این افراد بسته گی دارد، بپذیرد. خبرنگار باید بداند که هیچ گاهی یک شخص بدون دلیل هدیه بی برای کسی، که نمی شناسد، نمی دهد و هزینه بی را قبول نمی کند.

مثال:

آقای ... در سرویس خبری شبکه خصوصی تلویزیون کار می کند. او خبری را در ارتباط به والی ولایت... بلخ مبتنی بر اسناد موثق تهیه کرده است. متن خبر حاوی اطلاع در مورد غصب - 100 جریب زمین دولتی برای اعمار یک ساختمان اعیانی و یک باغ بزرگ به منظور استفاده شخصی است. والی از طریق یکی از دوستان خود آگاهی می یابد که آقای... خبرنگار تلویزیون... از این موضوع اطلاع حاصل کرده و قرار است که این خبر را در سرویس خبری امشب به نشر برساند. والی فوراً به خبرنگار تلفون می کند و از او می خواهد که به هر قیمتی که است از نشر این خبر جلوگیری شود و در عوض 5000 دالر امریکایی به دست بیاورد.

چه باید کرد؟

خبرنگار نباید به طمع پول و سوسه گردد و بدون در نظر داشت مکلفیت خود به عنوان یک خبرنگار که باید اطلاعات درست را به مردم برساند و آنان را از حقیقت ها باخبر بسازد، از نشر خبر جلوگیری کند و یک واقعیت مسلم را که به منافع عمومی ارتباط دارد به خاطر به دست آوردن رشوت زیر پا سازد.

• خبرنگار به حریم خصوصی افراد احترام می گذارد. هر مسأله خصوصی تنها زمانی می تواند که عمومیت بیابد که به نفع جامعه و در رابطه به منافع عمومی باشد.

حریم خصوصی، ساحة خصوصی و تعرض ناپذیر از حیات فردی انسان است. هر فرد در هاله بی از زنده گی شخصی خود قرار دارد که نمی خواهد کسی دیگری را در آنجا راه بدهد. این حق مسلم و حتمی هر فرد است، بناً تجاوز و داخل شدن به حریم زنده گی خصوصی افراد یک عمل غیر اخلاقی است.

مهمترین نکته قابل بحث در این مورد همانا تعارض حریم خصوصی با منافع عمومی است. گاهی مردم می خواهند که در مورد زنده گی افراد مشهور و مهم جامعه خود که در پست های مهم و کلیدی قرار دارند، چیزی بدانند. اما آیا پخش این اطلاعات که تجاوزی بر حریم خصوصی افراد است، نیازی برای منفعت عامه است یا کنجکاو محض؟ پرسش دوم این است که آیا زنده گی خصوصی افراد ربطی به مسؤلیت های اجتماعی شان دارد؟

اصولنامه های اخلاقی اکثر کشور ها مصونیت حریم خصوصی افراد را ترجیح می دهد تنها در مواردی که مسایل شخصی افراد به صورت مستقیم به منافع عامه ارتباط بگیرد، یا باعث حل یک بحران عمومی یا برجسته سازی یک دشواری اجتماعی گردد، به خبرنگار اجازه داده می شود که اطلاعات مربوط به زنده گی خصوصی افراد را به نشر برسانند. به این ترتیب خبرنگار باید برای ورود به حریم خصوصی افراد دلیل قانع کننده بی داشته باشد. قابل یادآوریست که اشخاص صاحب شهرت در بعضی موارد مجبورند تا قسمتی از حریم خصوصی خود را فدای موقعیت عمومی خود نمایند، زیرا مردم حق دارند تا در مورد آنان بیشتر بدانند.

مثال:

خبرنگار مجله ... می خواهد که در مورد کارکرد های یکساله وزیر وزارت ... گزارشی تهیه کند. او تمام اسناد لازم را به دست می آورد و با عده بی از کارمندان صحبت می کند. در جریان تلاش هایش او این معلومات را نیز به دست می آورد: با این که 10 سال از ازدواج وزیر می گذرد، فرزندی ندارد به همین دلیل او و خانمش با استفاده از یک رخصتی 15 روزه، ماه قبل غرض تدای به یکی از کشور های همسایه رفته بودند. خبرنگار فکر می کند که ذکر این نکته گزارشش را جالب و خواندنی می سازد و می تواند که این نکته عنوان یک خبر جالب نیز باشد.

آیا خبرنگار اجازه دارد که این معلومات را نیز ضمن تمجید و یا انتقاد از کارکرد های یکساله وزیر در گزارش خود بگنجانند؟

چه باید کرد؟

خبرنگار نمی تواند که در حریم خصوصی وزیر داخل گردد. داشتن یا نداشتن فرزند ربطی به کارکرد های او در وزارت ندارد. ذکر یک مسأله شخصی می تواند وزیر را ناراحت بسازد. او حتماً تمایلی ندارد که عموم مردم از زنده گی شخصی او

چیزی بدانند. بنا خبرنگار تنها از اطلاعاتی که مربوط زنده گی اجتماعی و تولیدی اوست، می تواند استفاده کند.

خبرنگار در مسایل حرفه یی تنها مشوره، داوری و صلاحیت همکاران مسلکی خود را می پذیرد و به هیچ نهاد دولتی، غیر دولتی و یا سایر نهاد ها اجازه دخالت در کارش را نمی دهد.

خبرنگار در جریان کار های حرفه یی خود با چالش ها و دشواری های متعددی مواجه است. او گاهی با تهدید، خشونت و نفرت عده یی مواجه می شود. او برای نشر و یا عدم نشر یک مطلب باید تصمیم بگیرد. گاهی در حفظ توازن نبشته های ژورنالیستی خود دچار سردرگمی می شود و گاهی نیز در انتخاب سوژه ها نیازمند مشوره و همکاری می باشد. خبرنگار همانند هر انسان دیگر ممکن است که اشتباه کند و یا نقصی در کار های مسلکی اش وجود داشته باشد. این اشتباه های او باید توسط مدیر مسؤول، سردبیر، ویراستار و یا سایر همکاران مسلکی اش تذکر داده شود. چون این همکاران از نگاه مسلکی صلاحیت نظر دادن و تصحیح را دارند؛ اما هرگاه نهاد های دولتی، غیر دولتی و یا سایر نهاد های ملی و بین المللی که در پیرامون فعالیت دارند به صورت مغرضانه بخواهند که در مورد کار های حرفه یی اش چون پخش، نشر و یا عدم نشر و پخش برابند های کار خبرنگاریش مداخله کنند، خبرنگار نباید بپذیرد. او تنها مشوره ها و صلاحیت های کاری و مسلکی همکاران خویش با که می تواند با درایت و نگاه مسلکی به کار های او نظر ببیند، بپذیرد و بس. از سوی دیگر این نکته را نیز باید در نظر داشت که مداخله غیر قانونی و مغایر با معیار های حرفه یی از سوی کارمندان درون سازمان نیز از سوی خبرنگار نباید پذیرفته شود.

مداخله این نهاد ها می تواند که در کار خبرنگار خلل ایجاد کند و باعث به وجود آمدن روحیه خود سانسوری در او گردند. خبرنگار در کار های مسلکی خود تنها تابع قانون و مقررات صنفی خود است و بس. با در نظر داشت همین نکته خبرنگار باید بدون هیچ هراسی از مداخله سایر نهاد ها جلوگیری کند.

خبرنگار در فرایند کارکرد های خبرنگاری خود از خط مشی رسانه یی که در آن کار می کند، از مقررات صنفی و حرفه یی خود تابعیت می کند و از هر پیمان و کاری که مغایر با این اصول باشد، خود داری می ورزد. نهاد ها و نیروی های فشار نباید خبرنگار را مجبور بسازند که خلاف عقیده و باور های خود کار های خبرنگاری خود را سامان بدهد و خبرنگار نیز وظیفه دارد که خلاف این فشار ها مبارزه کند و از قبول آنها سرباز زند.

در جریان تمام فرایند خبرنگاری و پخش و نشر او باید شرافت حرفه یی و اخلاق خبرنگاری را در نظر داشته باشد که شاخصه های مهم برای حفظ آرمان های خبرنگار در راه کار خبرنگاری است.

مثال:

خبرنگار تلویزیون... از اعتصاب کارمندان وزارت... گزارشی تهیه کرده است. کارمندان این وزارت ادعا می ورزند که وزیر به معاش ها و امتیازات شان توجهی ندارد و سهم بورس های این وزارت را به چند تن از خویشاوندان و دوستان خود که در این وزارت کار می کنند، داده است و حق سایر کارمندان را تلف کرده است. کارمندان با ارائه اسناد و شواهد غیر قابل انکار این موضوع را به پارلمان هم راجع کرده اند؛ بعد از بی توجهی پارلمان در زمینه آنان دست به اعتصاب زده اند. قبل از نشر خبر برای خبرنگار از سوی بعضی مقامات بلند پایه تذکر داده می شود تا از نشر خبر جلوگیری شود و یا در حداقل قسمت هایی از گفته های کارمندان حذف گردند. خبرنگار و شبکه تلویزیونی... از سوی وزیر نیز پیام های آشتی جویانه دریافت می کنند.

چه باید کرد؟

خبرنگار در این مورد هیچ گونه فشاری را نمی پذیرد. او تنها مطابق قوانین کشور و مقررات و خط مشی رسانه خود و اخلاق خبرنگاری عمل می کند و چون در این گزارش تمام معیار ها در نظر گرفته شده است، پس اجباری نیست که خبرنگار این مداخله ها را در کار خود بپذیرد.

او به خاطر یقین بیشتر با همکاران مسلکی خود مشوره می کند. بعد از دیدن کلیپ ها و گزارش یک تن از همکاران پیشنهاد می کند که کلیپ یک تن از کارمندان برداشته شود؛ به دلیلی که این کارمند در گفته های خود به عفت زبان را در نظر نداشته و گپ های ناشایست در مورد زنده گی شخصی وزیر، که ربطی به کار اجتماعی او ندارد بر زبان رانده است. خبرنگار این مشوره منطقی را که در تباین با خط مشی، مقررات صنفی و حرفه یی این تلویزیون قرار نمی گیرد، می پذیرد.

خبرنگار نباید که از حرفه خود استفاده شخصی کند و از اطلاعات به دست آورده امتیاز به دست بیاورد و به خاطر نفع شخصی خود - از طریق رسانه دست به کار های اشتهار آتی بزند که باعث رشد شخصیت وی چه در بعد مالی و چه در بعد معنوی گردد، مگر این که کاری در این زمینه برایش از سوی مسؤولین رسانه سپرده می شود.

خبرنگار در جریان کار حرفه یی اطلاعات گوناگونی را به دست می آورد. کار خبرنگاری مستلزم ارتباط با افراد و نهاد ها و گردآوری اطلاعات از آنان است. خبرنگار گاهی به اطلاعاتی دست می یابد که می تواند قبل از انتشار، جهت به دست آوردن پول، امتیاز و موقعیت از آن استفاده شخصی کند. ولی استفاده از اطلاعات به منظور استفاده شخصی یک کار غیر اخلاقی است.

نشر آگهی ها و گزارش های بازرگانی بخشی از کار های رسانه ها را تشکیل می دهد. در حقیقت رسانه ها برای استمرار

خود به نشر آنها نیاز دارند، اما این نشر و پخش باید مطابق قرارداد های قانونی و اخلاقی صورت بگیرد تا اهداف رسانه تحت تاثیر زد و بند های بازرگانی قرار نگیرد. خبرنگار نباید که کار حرفه یی خود را با کار بازرگانی یکسان بداند و این دو را در هم آمیزد؛ از کسانی که آگهی می دهند، پول و پاداش دریافت کند و یا رویداد ها را به نفع آنان تفسیر کند و شکل بدهد. خبرنگار در حین نشر آگهی ها و سایر فعالیت های حرفه یی نباید که به شخصیت سازی خود جهت مشهور شدن، دست بزند و یا کار هایی را از طریق رسانه انجام بدهد که از نگاه معنوی و مادی از آن امتیاز به دست بیاورد. هرگاه از سوی مدیریت رسانه کاری در این راستا برایش سپرده می شود و یا هم عمل او مشمول هدف نشراتی رسانه است، در این صورت مانعی وجود ندارد.

مثال:

خبرنگار تلویزیون... در حین تهیه گزارش یک سری اطلاعات را به دست می آورد که شهردار به یک تعداد از وابسته گان خود به صورت غیر قانونی زمین توزیع کرده است. خبرنگار اسناد مربوط را نیز به دست می آورد. خبرنگار یقین دارد که می تواند شهردار را با این اسناد تحت فشار قرار بدهد و با به هراس انداختن او از نشر این گزارش، یک نمره زمین درجه اول به دست بیاورد.

چه باید کرد؟

خبرنگار می تواند که از این اطلاعات استفاده غیر اخلاقی کند و از طریق آن امتیاز مادی یا معنوی به دست بیاورد، بدون این که کسی از آن باخبر شود و خبرنگار مجرم شمرده شود؛ اما وجدان و رهنمود های اخلاقی نهفته در ضمیر انسان این را نمی پذیرد. خبرنگار معتقد به اصول اخلاقی گزارش خود را به صورت عینی و مستدل با حقایق تهیه می کند بدون آن که در پی گرفتن امتیازات غیر قانونی و غیر اخلاقی باشد.